

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1386/08/14

کیفیت تشریع اذان از منظر مذهب حنفي :

بحث ما در تشریع اذان بود. قبلاً این مبحث را از دیدگاه کتاب های روایی اهل سنت بحث و بررسی کردیم. و اما در رابطه با کتب فقهی اهل سنت می خواهیم بدانیم آیا در مقام فتوا نیز به استناد آن روایات فتوایی نیز صادر کرده و یا نظری داده اند.

تشریع اذان از منظر سرخسي :

از جمله علمای حنفي، سرخسي است که ایشان مفصل روی این قضیه بحث کرده است. سرخسي متوفای 483 هـ است. وی که تقریباً معاصر با مرحوم شیخ طوسي متوفای 460 هـ. است در کتاب المبسوط جلد 1، صفحه 127 و 128 که کتابی فقهی است بابی باز کرده به نام الأذان و می گوید:

باب الاذان :

الأذان في اللغة الاعلام ومنه قوله تعالى «وأذان من الله ورسوله» الآية وتكلموا في سبب ثبوته فروي أبو حنيفة رحمه الله تعالى عن علقمة بن مرثد عن أبي بردة عن أبيه قال مر أنصاري بالنبي صلى الله عليه وسلم فرآه حزينا وكان الرجل ذا طعام فرجع إلي بيته واهتم لحزنه صلى الله عليه وسلم فلم يتناول الطعام ولكنه نام فأتاه آت فقال أتعلم حزن رسول الله صلى الله عليه وسلم مماذا هو من هذا الناقوس فمره فليعلم بلالا الأذان وذكره إلي آخره. والمشهور أنه صلى الله عليه وسلم لما قدم المدينة كان يؤخر الصلاة تارة ويعجلها أخرى فاستشار الصحابة في علامة يعرفون بها

وقت أدائه الصلاة لكي لا تفوتهم الجماعة فقال بعضهم نصب علامة حتي إذا رآها الناس أذن بعضهم بعضا فلم يعجبه ذلك. وأشار بعضهم بضرب الناقوس فكرهه لأجل النصاري وبعضهم بالنفخ في الشُّبُور فكرهه لأجل اليهود وبعضهم بالبوق فكرهه لأجل المجوس فتفرقوا قبل أن يجتمعوا علي شيء. قال عبد الله بن زيد بن عبد ربه الأنصاري فبت لا يأخذني النوم وكنت بين النائم واليقظان إذ رأيت شخصا نزل من السماء وعليه ثوبان أخضران وفي يده شبه الناقوس فقلت أتبعيني هذا فقال ما تصنع به فقلت نضربه عند صلاتنا فقال ألا أدلك علي ما هو خير من هذا فقلت نعم فقام علي حذم حائط مستقبل القبلة فأذن ثم مكث هنيهة ثم قام فقال مثل مقالته الأولي و زاد في آخره قد قامت الصلاة مرتين فأتيت رسول الله صلي الله عليه وسلم وأخبرته بذلك فقال رؤيا صدق أو قال حق ألقها علي بلال فإنه أمد صوتا منك فألقيتها عليه فقام علي سطح أرملة كان أعلي السطوح بالمدينة وجعل يؤذن فجاء عمر رضي الله تعالى عنه في إزار وهو يهرول ويقول لقد طاف بي الليلة ما طاف بعبد الله إلا أنه قد سبقني فقال صلي الله عليه وسلم هذا أثبت. وروي أن سبعة من الصحابة رضي الله تعالى عنهم أجمعين رأوا تلك الرؤيا في ليلة واحدة. وكان أبو حفص محمد بن علي ينكر هذا ويقول: تعمدون إلي ما هو من معالم الدين فتقولون ثبت بالرؤيا كلا ولكن النبي صلي الله عليه وسلم حين أسري به إلي المسجد الأقصى وجمع له النبيون أذن ملك وأقام فصلي بهم رسول الله صلي الله عليه وسلم وقيل نزل به جبريل عليه الصلاة والسلام حتي قال كثير بن مرة أذن جبريل في السماء فسمعه عمر بن الخطاب رضي الله تعالى عنه. ولا منافاة بين هذه الأسباب فيجعل كأن ذلك كان.

... از بریده روایت شده که مردی از انصار در حالی که محزون و غمگین بود از کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله] وسلم عبور کرد و چون غذا و طعامی همراه داشت مردم به گرد او جمع شدند و بعد برای خواندن نماز وارد مسجد شد که در این حال او را خواب فرا گرفت که در عالم خواب شخصی سراغ او آمد و به او گفت: من علت ناراحتی تو را می دانم از این رو قصه اذان را به او خبر داد و او هم پیامبر را از این موضوع با خبر کرد و پیامبر هم فرمود: بلال را

این گونه تعلیم دهید تا به این شکل اذان بگوید. مشهور این است که در ابتدای هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه گاهی آن حضرت نماز را با تعجیل و گاهی با تأخیر اقامه می نمود. تا این که پیامبر اکرم در این باره با صحابه مشورت نمود تا برای این کار راه حلی بیابند بعضی پیشنهاد دادند تا پرچمی نصب شود که حضرت آن را نپذیرفت. بعضی پیشنهاد ساخت ناقوس دادند اما پیامبر اکرم به خاطر تشابه با نصارا آن را نپذیرفت و بعضی پیشنهاد ساخت شیبور دادند اما پیامبر آن را به خاطر شباهت به یهود نپذیرفت. و بعضی پیشنهاد ساخت بوق دادند اما باز هم پیامبر این پیشنهاد را به خاطر شباهت با مجوس نپذیرفت. با این پیشنهاد ها صحابه بیشتر به اختلاف و تفرقه افتادند. تا این که عبدالله بن زید انصاری گفت: شب خوابیده بود اما بین خواب و بیداری بودم که شخصی را دیدم که دو جامه سبز بر تن داشت و در دست ناقوسی حمل می نمود به او گفتم: آیا آن را به من می فروشی؟ گفت: با آن می خواهی چه کار کنی؟ گفتم: می خواهم تا آن را به هنگام نماز بنوازم تا با آن مردم را برای نماز با خبر سازم. او گفت: آیا می خواهی تو را به کاری بهتر از آن راهنمایی کنم؟ گفتم: آری. او بر بلندای دیواری ایستاد و رو به قبله نمود و لختی سکوت کرد و مانند آنچه که در مرتبه اول گفته بود را تکرار کرد و با این تفاوت که در انتهای آن قد قامت الصلاة را دو مرتبه افزود. من نیز آمدم و رسول خدا صلی الله علیه و آله را از این خواب با خبر ساختم. حضرت فرمود این رؤیای صادق ای بوده است. تو نیز آن را به بلال بیاموز که او از تو صدایی رساتر دارد. بلال هم بر بلندایی از مدینه ایستاد و شروع به اذان گفتن نمود. تا این که عمر آمد و در حالی که ردایی بر دوش داشت و دوان دوان می آمد. به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض نمود دیشب همین خواب بر من هم عارض شد الا این که شخص دیگری از صحابه در این کار بر من سبقت گرفت. رسول خدا صلی الله علیه و آله هم فرمود با این خواب تو این موضوع بیشتر تثبیت گردید. و نیز روایت شده است که در همان شب هفت نفر از صحابه همین خواب را دیدند. ابو حفص این موضوع را انکار کرده و می گوید: به خواب و رؤیایی اعتماد می کنید و می گویند: با خواب این موضوع ثابت گردیده است؟ هرگز! بلکه رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن شبی که به مسجد الاقصی و بعد از آن به معراج سیر داده شد و در آنجا تمام

انبیاء خداوند جمع بودند ملکی از ملائک خداوند اذان و اقامه گفت، و رسول خدا صَلَّی الله علیه و آله هم با آنها به نماز ایستاد و قولی هم گفته جبرائیل بر آن حضرت نازل شد و در آسمان اذان گفت و به این شکل عمر بن خطاب متوجه شد و آن را شنید. و بین تمام این اقوال منافاتی نیست و تمام این اقوال می تواند به وقوع پیوسته باشد.

المبسوط للسرخسي، ج 1، ص 127، اسم المؤلف: شمس الدين السرخسي الوفاة: 483، دار النشر: دار المعرفة -

بیروت

کلمه «تکلموا» که می آید، به سخن اختلافی اشاره دارد. ما این روایت را به طور مفصل از جامع المسانید ابوحنیفه، مسند ابو حنیفه، مجمع الزوائد و... نقل کردیم. این نقلی است که از ابوحنیفه بیان می کند و نمی خواهد به این روایت استناد کند. اهل سنت برای شهرت ارزش ویژه ای قائلند البته اگر از نظر سند، عالی السند باشد؛ ولی چنانچه مخالف مشهور باشد، اصلاً واژه صحیح به او اطلاق نمی کنند. یکی از شرایط صحت روایت، عدم شذوذ است. ما می گوئیم صحیح است؛ ولی مخالف مشهور است؛ ولی آنها اصلاً صحیح نمی گویند. یعنی شروع نماز پیامبر بستگی به جمع شدن صحابه داشت.

آقای سرخسی از استوانه های علمی اهل سنت است، دارد اساس مشروعیت اذان را بیان می کند. همه اینها پیام دارد. می خواهد این را برساند که تشریع امور دینی از ناحیه پیامبر اکرم نیست. پیامبر هم اجتهادی می کرده است و برای صحابه ارزش قائل بوده است، حتی اگر خوابی می دیدند، این خواب نما شدن صحابه مصدر تشریع شریعت می شد.

با این که قضیه تشریع مربوط به سال اول هجرت است؛ و حال آن که قضیه استقبال قبله، در سال سوم هجرت اتفاق افتاده است.

دقت کنید که ما داریم کتاب فقهی می خوانیم نه کتاب روایی؛ یعنی یک فقیه می خواهد بر اساس روایات یک نظر فقهی صادر کند. بعد نوع استنباط سرخسی را مقایسه کنید با نحوه استنباط احکام در کتاب های شیعه.

در حقیقت این نظر یک فقیه حنفی است و می خواهد بعد از نقل روایات و اقوال، خودش نظر بدهد. می گوید: تمام اینها در تشریع اذان دخیل بوده، هم خواب عبد الله بن زید، هم خواب عمر بن الخطاب، هم شنیدن آقای عمر از جبرئیل، هم تأذین جبرئیل و هم نزول جبرئیل؛ با این که بین اینها تناقض و تعارض غیر قابل جمع است. این روایات صد در صد مانعة الجمع است. اگر جبرئیل نازل شده، راهی نبوده که پیامبر اکرم سر گردان باشد. یا جبرئیل نازل شده که در آن صورت خواب صحابه ارزشی ندارد.

تشریع اذان از منظر مذهب مالکی :

امام مالک، متوفای 179 هـ در کتاب المدونة الكبرى، جلد 1، صفحه 57 و 58 می گوید:

یعنی در وسط صفحه عنوان می دهد. عنوانی که سرخسی داده بود، این بود: باب الأذان. مالک می گوید:

فی الأذان:

قال مالك الأذان الله أكبر الله أكبر أشهد أن لا إله الا الله أشهد أن محمدا رسول الله أشهد أن محمدا رسول الله قال ثم يرجع بأرفع من صوته أول مرة فيقول أشهد أن لا إله الا الله أشهد أن لا إله الا الله أشهد أن محمدا رسول الله أشهد أن محمدا رسول الله قال فهذا قول مالك في رفع الصوت ثم حي علي الصلاة حي علي الصلاة حي علي الفلاح حي علي الفلاح الله أكبر الله أكبر لا إله الا الله.

مالك مي گوید: اذان اين گونه است «الله أكبر الله أكبر أشهد أن لا إله الا الله أشهد أن لا إله الا الله أشهد أن محمدا رسول الله أشهد أن محمدا رسول الله» گفت: سپس با بلند ترين صدا از ابتدا اين گونه مي گوید: أشهد أن لا إله الا الله أشهد أن محمدا رسول الله أشهد أن محمدا رسول الله سپس با صداي بلند مي گوید: حي علي الصلاة حي علي الصلاة حي علي الفلاح حي علي الفلاح الله أكبر الله أكبر لا إله الا الله.

المدونة الكبرى، ج 1، ص 57، اسم المؤلف: مالك بن أنس، الوفاة: 179، دار النشر: دار صادر - بيروت

تفاوتي که در نظر مالك با سرخسي وجود داشت در اين بود که تکبير و شهادتين را دوبار بايد تکرار کند، يك بار آهسته و يك بار با صداي بلند.

قال فإن كان الأذان في صلاة الصبح في سفر أو حضر قال الصلاة خير من النوم الصلاة خير من النوم مرتين بعد حي علي الفلاح.

اگر اذان براي نماز صبح بود چه در سفر چه در حضر دو مرتبه بعد از حي علي الفلاح بايد بگوید: الصلاة خير من النوم الصلاة خير من النوم.

المدونة الكبرى، ج 1، ص 57، اسم المؤلف: مالك بن أنس، الوفاة: 179، دار النشر: دار صادر - بيروت

در رواياتي که ما خوانديم، خبري از «الصلاة خير من النوم» نبود. که ان شاء الله بعدا بحث خواهيم کرد که اين هم از اختراعات عمر بن الخطاب بوده است.

وأخبرني ابن وهب عن عثمان بن الحكم بن جريج قال حدثني غير واحد من آل أبي محذورة أن أبا محذورة قال قال لي رسول الله صلى الله عليه وسلم اذهب فأذن عند المسجد الحرام قال قلت كيف أؤذن يا رسول الله قال فعلمني الأذان الله أكبر الله أكبر أشهد أن لا إله الا الله أشهد أن لا إله الا الله...

ابن وهب از عثمان بن حکم بن جریج روایت کرده است که تعدادی از خاندان ابو محذوره روایت کرده اند ابو محذوره گفت: رسول خدا صلی الله علیه [وآله] و سلم به من فرمود: برو و در مسجد الحرام برو و در مسجد الحرام اذان بگو. عرض کردم: یا رسول الله چگونه اذان بگویم. می گوید: رسول خدا صلی الله علیه [وآله] و سلم اذان را به من آموخت: الله أكبر الله أكبر أشهد أن لا إله الا الله أشهد أن لا إله الا الله...

المدونة الكبرى، ج 1، ص 57، اسم المؤلف: مالك بن أنس، الوفاة: 179، دار النشر: دار صادر - بيروت

ان شاء الله به روایت ابو محذوره خواهیم رسید. بعضی از اعظم تصور کرده اند که این اذان در کنار بیت الله الحرام بوده است و لذا منافات دارد با روایت خواب عبد الله بن زید، عمر و... ابو محذوره جزء مسلمین سال فتح مکه و جزء طلقاء است.